

## جام زهر و جنگی که نیست.

تردید در تلخ بودن #زهر نیست. خاصیت زهر، همین است.

اما تلخی، تنها یک وجه از #جام\_زهر است. آن وجه دیگر، گشایشی است که قرار است از پس سر کشیدن جام روی دهد. آنکه این تلخی را به جان می‌خرد، مقصود بزرگی دارد. به بعد از خود می‌اندیشد و بقای آنچه بخاطرش حاضر است حتی زهر نوش کند!

آن یگانه‌مرد، ۲۹ تیر ۱۳۶۷ اعلام کرد که جام زهر را سر می‌کشم و قطعنامه را می‌پذیرم. این اما تنها یک فصل از آن پیام بلندبالاست. آن مرد، آن پیام را نوشت که فقط بگوید می‌خواهد جام زهر سر بکشد. او حرف مهمتری داشت که بسیار فربه‌تر و پرحجم‌تر از جام‌زهر بدان پرداخته است.

ما اما سالهاست که در مرثیه‌ی تلخی جام زهر متوقف مانده‌ایم.

هر بار و هر سال، آنچه از قطعنامه می‌شنویم صرفاً قصه‌ی جام زهر است و کشف آنکه/آنانکه جام را به مرادمان تحمیل کرد!

امروز زیر آوار روایت‌های کاذب و صادق از حواشی جام زهر گرفتار مانده‌ایم.

و آنچه از آن خبری نیست «و اما بعد» است.

از منشور اعجاز‌آمیز #اسلام\_ناب و #اسلام\_امریکایی. از آغاز #جنگ\_فقر\_و\_غنا.

از تداوم مبارزه و از ضرورت آمادگی برای مواجهه‌ی جانانه‌ی #استضعاف و #استکبار.

سوگواری مدام برای جام زهر و برپایی بساط مکرر از سوی جناحین جنگ تحمیلی برای افشای نقش طرف مقابل در تحمیل جام به امام، نقش همان طبل‌های گر کننده را بازی می‌کند که نمی‌گذارد صدای درخواست امام به گوش امت برسد. پشت گوش انداختن نقشه‌ی مبارزه‌ی حقیقی و میدان‌های ترک‌شده، تنها ثمره‌ی بساط جام‌سراییی بوده است.

مرثیه‌سراییی برای جام زهر را وانهدید و میدان مبارزه‌ی اصلی را دریابید.

روح‌الله رشیدی